

## ارائه الگوی مدیریتی «امنیت فرهنگی - اجتماعی»

### بر اساس عناصر هویت در ایران

سید رضا صالحی امیری

عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات *salehi@csr.ir*

محسن قدمی

عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات *m.ghadami@Srbian.ac.ir*

فاطمه براتلو

دانش آموخته دکترای مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات *baratlou@ihcs.ac.ir* (مسئول مکاتبات)

#### چکیده

این تحقیق با هدف بسط نظری و مدیریتی امنیت در شاخه تخصصی مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، به شناسایی عناصر «امنیت فرهنگی و اجتماعی» در کشور و ارائه الگوی مفهومی برای مدیریت آن پرداخته است. این تحقیق مبتنی بر پیمایش و نیز ارائه الگو به روش تبیینی است. متغیرها شامل هویت ملی، هویت قومی، هویت مذهبی، هویت مدرن و متغیر امنیت اجتماعی-فرهنگی است. در تحلیل ثانویه مبتنی بر داده‌های اولیه مربوط سنجش هویت جمعی در ایران با ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت، روش‌های آماری به کاررفته شامل تحلیل عاملی برای تأیید سازه‌ها، روش‌های آمار توصیفی و ضریب همبستگی تحلیل واریانس همراه با آزمون تعقیبی آن، آزمون (T) در مقایسه با یک عدد ثابت و آزمون فریدمن است؛ روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری در سیزده استان به تأیید رسیده است. بر اساس نتایج این بررسی در سه قطب قابل دسته‌بندی است.

به‌عنوان رویکرد کلی به‌رغم دشواری‌های موجود در جمع میان خرده فرهنگ‌ها، پایش امنیت فرهنگی-اجتماعی با توجه به رکن امنیت که همان هویت است، می‌تواند الگویی کارآمد جهت سوگیری سیاست‌ها و استراتژی‌ها را عرضه کند. این فرایند به لحاظ روش‌شناسی مبتنی بر مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی در حوزه عمومی با مطالعات تکمیلی کمی و کیفی نظیر فرا تحلیل یا تحلیل ثانویه و دیدگاه‌های تخصصی خبرگان است. این پایش در مقاطع مختلف زمانی، از دیدگاه عاملان و گروه‌های مخاطب و ارزیابی شکاف‌ها و حتی فراتر از آن همراه با آینده‌پژوهی به‌منظور شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو قابل انجام است.

**واژگان کلیدی:** امنیت فرهنگی - اجتماعی، مدیریت امنیت، الگوی AGIL پارسونز، مکتب کپنهاک، نظریه کنش متقابل نمادین، متغیرهای استراتژیک هویت، سیاست عدم تمرکز

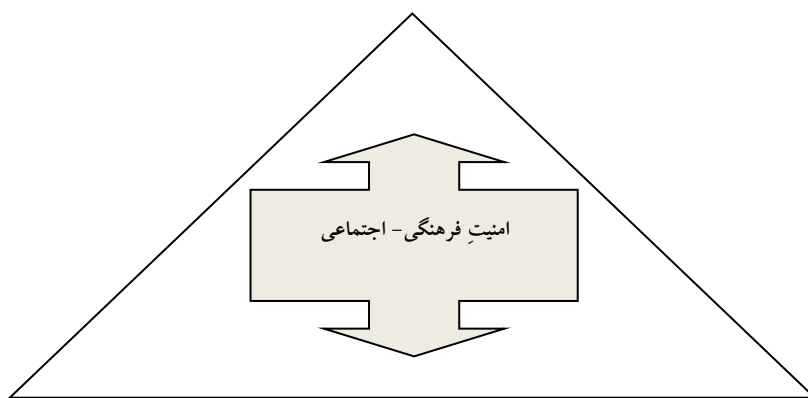
## مقدمه

قدرت یا هیئت حاکمه که همان ساختار سیاسی است از یک سو و ملت، شهروندان و مخاطبان آنان در حوزه عمومی برمی گردد؛ در اینجا امنیت فرهنگی-اجتماعی برمدار عناصر هویت معنا و مفهوم می یابد. شایان توجه است، پیش از آن که نظریه های امنیت در سیر تکاملی خود به بارزتر شدن متغیرهای هویتی برسند، اهمیت متغیرهای هویتی در مدیریت حکیمانه و ژرف اندیش جامعه در قرآن کریم مورد التفات نظریه پردازان دینی چون فارابی و سایر اندیشمندان هم بوده است. درک و شناسایی وضعیت عناصر استراتژیک هویت در جامعه، مقدمه ی شناسایی تهدیدات امنیتی و مدیریت آن در حوزه عمومی است.

از آنجا متغیرهای نهایی در اعمال مدیریت بر امنیت جامعه مبتنی بر ویژگی های موجود در جغرافیای فرهنگی جوامع است، بنابراین مدیریت امنیت فرهنگی-اجتماعی به عنوان علم و هنر مسئله یابی، پیش بینی و تدبیر اندیشمندانه برای وضع موجود در راستای تأمین و پیشبرد جامعه به سوی وضع مطلوب، مدیریتی متمایز زمانی - مکانی است که می تواند به دور از هر نوع تجویزی یکسان و مبتنی بر متغیرهای استراتژیک بومی هویت (در اینجا در چهار شاخه دینی، قومی، ملی و مدرن) در نظر گرفته شود.

مسئله امنیت در دو وضعیت فرد محوری یا جمع محوری، در پیوستاری از فقدان حقیقی تهدید تا بهره گیری از فرصت های بیشتر برای مقابله ی ذهنی با ناامنی قابل فهم تعریف است. در همین رابطه بسیاری از محققین به جای امنیت جامعه، به درستی از واژه امنیت هویت<sup>۱</sup> استفاده می کنند؛ بر این اساس در هر جامعه خاصی با هویت معین یک مسئله ی مهم در حوزه امنیت، وجود دوگانگی ادراکی یا شناختی از مفهوم هویت و بر اساس آن از معنای امنیت فرهنگی-اجتماعی میان دولت - ملت خواهد بود. عدم تطابق مرزهای ادراکی و شناختی نزد دولت-ملت ها در عمل منجر به وقوع شرایط تهدید واقعی یا احتمالی است. در این حالت نه تنها اعمال حاکمیت و یا تصدی دولت ها در سیاست ها و یا برنامه های آنان از نگاه ناظر بیرونی، تهدید علیه هویت محسوب می شود، بلکه سطح انتظار جامعه از نیاز آنان به امنیت فرهنگی - اجتماعی تأمین نشده و احساس ناکامی در عدم پاسخ کافی و مطمئن به چنین نیازی، خود زمینه بروز احساس ناامنی را فراهم خواهد ساخت.

مفهوم امنیت فرهنگی-اجتماعی در اینجا همان گونه که در شکل بالا نشان داده شده به وجود و یا عدم وجود تهدید و یا احساس تهدید در فضای میان دولت،



شکل (۱): هرم فرضی از سازمان جامعه و شکاف ادراکی از امنیت فرهنگی-اجتماعی

## ۱- ادبیات پژوهش

هویت مشترک» است. پس «جامعه به هویت باز می‌گردد، به برداشت جوامع و افراد از خود به‌عنوان اعضای یک جامعه» ویور و همکارانش بی‌هیچ تردیدی اذعان دارند ارزشی که باید تحت عنوان «امنیت اجتماعی» محفوظ بماند، هویت اجتماعی است. بر این اساس، «امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای تداوم بخشیدن به سرشت گوهری خود تحت شرایط متحول مربوط است».

۲-۴. در میان نظریه‌های موجود در حوزه هویت، مکتب کنش متقابل نمادین<sup>۷</sup> یا (SIT) که بر ترکیبی<sup>۸</sup> بودن، تنوع و وجود هویت یا خودهای<sup>۹</sup> متکثر تأکید دارد، مورد توجه بوده است.

### روش پژوهش

این تحقیق با هدف توسعه امنیت فرهنگی و اجتماعی در کشور، به شناسایی عناصر امنیت فرهنگی - اجتماعی و ارائه الگوی مدیریتی آن پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی است، متغیرهای تحقیق شامل هویت ملی (با ابعاد اجتماع ملی، فرهنگ ملی و سیاست ملی و خود برجسب‌زنی)، هویت قومی (با ابعاد اجتماع قومی، فرهنگ قومی، سیاست قومی و قوم‌مداری)، هویت مذهبی (با چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، هویت دینی، رفتار دینی)، هویت مدرن (با ابعاد گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بعد اجتماعی و معرفتی، گرایش به غرب و هویت جهانی یا بین‌المللی گرایشی) و متغیر امنیت اجتماعی-فرهنگی بوده و نیز ارائه الگو با روش تبیینی است.

سؤال اصلی در این تحقیق عبارت است از: الگوی مطلوب مفهومی و مدیریتی امنیت فرهنگی - اجتماعی در ایران چیست؟ و در سؤالات فرعی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در مدیریت امنیت فرهنگی - اجتماعی، به تفکیک شامل هویت دینی، هویت مدرن، هویت ملی، هویت قومی مورد بررسی قرار گرفته است.

برای چارچوب نظری در این تحقیق از موارد ذیل به صورت ترکیبی و به اقتضای بهره گرفته شده است: ۱-۲. مدیریت فرهنگی<sup>۲</sup> یک مقوله جدید مدیریتی است که در اواخر قرن نوزدهم مطرح شده و به شناسایی نیازها و از آن مهم‌تر اجماع بر نیازها و دستیابی به معیارهای مشترک در رابطه میان فرهنگ‌ها و دولت‌ها می‌پردازد.

۲-۲. اتخاذ عنوان فرهنگی-اجتماعی برای امنیت، بر اساس الگوی AGIL پارسونز بوده که اذعان دارد، نیازهای ضروری جهت اثربخشی و کارآمدی تمامی سیستم‌ها و جامعه به‌عنوان یک سیستم، برای اجتناب از چالش و یا بحران در کلیت نظام و یا سیستم شامل موارد زیر است:

(A):<sup>۳</sup> انطباق بین خود با محیط و محیط با نیازهایش

(G):<sup>۴</sup> دستیابی به اهداف

(I):<sup>۵</sup> انسجام در روابط به‌طور کلی و روابط بین سه کارکرد ضروری دیگر

(L):<sup>۶</sup> بقاء و مشروعیت یا تمهید، حفاظت و احیای انگیزه‌های افراد و الگوهای فرهنگی

در میان این موارد دو خرده نظام اجتماعی و فرهنگی با انسجام و بقای جامعه نقشی اساسی در تأمین امنیت دارند. بقا و انسجام یا امنیت فرهنگی - اجتماعی در حوزه فرهنگ و مدیریت فرهنگی مورد تأکید این تحقیق است.

۲-۳. از میان نظریه‌های موجود در حوزه امنیت، مکتب کپنهاک یا «مطالعات امنیت کپنهاک» که توسط بوزان و همکاران او در پی انتشار چندین اثر درباره موضوع امنیت شکل گرفته است، مورد نظر می‌باشد. این مکتب به اصطلاح‌شناسی مفهوم امنیت اجتماعی پرداخته و با طرح بعد اجتماعی امنیت جایگاه جدیدی به موضوع مستقل امنیت داده است. در رویکرد اخیر امنیت، «مجموعه‌ای از نهادها همراه با نوعی احساس

جدول (۱): توصیف آماری متغیرها

خطای میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	حجم نمونه	
.02416	.51023	3.3229	446	گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیسم- هویت مدرن
.02448	.51701	3.6216	446	جهانی شدن یا جهان‌گرایی- هویت مدرن
.03603	.76089	3.1283	446	گرایش به مدرنیسم- هویت مدرن
.02211	.46703	4.0814	446	بعد فرهنگی- هویت ملی
.03373	.71244	2.9234	446	بعد اجتماعی- هویت ملی
.02171	.45807	3.8334	445	بعد سیاسی- هویت ملی
.01788	.37763	2.8777	446	بعد هویت مدنی- هویت ملی
.02280	.48037	3.6651	444	بعد فرهنگی و اجتماعی- هویت قومی
.03414	.71769	3.0637	442	بعد سیاسی قومیت- هویت قومی
.03032	.63886	2.9364	444	بعد قوم‌مداری- هویت قومی
.03458	.72942	3.6166	445	بعد فرهنگ مذهبی- هویت مذهبی
.03761	.79340	3.3613	445	بعد رفتار مذهبی- هویت مذهبی
.03633	.76631	3.7082	445	بعد هویت مذهبی- هویت مذهبی

همان‌طور که مشاهده می‌شود کلیه متغیرها در نمونه بالاتر از سه در طیف لیکرت می‌باشند؛ و تنها بعد اجتماعی- هویت ملی، بعد هویت مدنی- هویت ملی، بعد قوم‌مداری- هویت قومی از میانگین کمتر از سه برخوردارند. در مرحله بعد برای تعمیم نتایج نمونه به جامعه آماری از آزمون  $T'$  در مقایسه با عدد ثابت (سه) استفاده شده است.

طبق جدول شماره (۲) می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بعد سیاسی از هویت قومی حذف می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵ درصد میانگین سه متغیر بعد اجتماعی- هویت ملی، بعد هویت مدنی- هویت ملی، بعد قوم‌مداری- هویت قومی در جامعه آماری کمتر از عدد ثابت (سه) است. رتبه‌های ابعاد هویت چهارگانه مربوط به جدول شماره (۲) به ترتیب در جدول زیر آمده است.

داده‌های اولیه موجود از پرسش‌نامه مربوط به بررسی و سنجش هویت جمعی در ایران بوده که مبتنی بر فرض ترکیبی و چند بعدی بودن هویت است. روایی و پایایی این ابزار که در سیزده استان به روش خوشه‌گیری اجرا شده، قبلاً مورد اندازه‌گیری و تأیید قرار گرفته است. از تحلیل عاملی برای تأیید سازه‌ها و از روش‌های آمار توصیفی و ضریب همبستگی استفاده شده است. روش‌های آماری در این تحقیق شامل تحلیل واریانس، همراه با آزمون تعقیبی آن و آزمون T در مقایسه با یک عدد ثابت برای تعمیم نتایج به جامعه آماری و آزمون فریدمن است.

#### یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ آمارهای توصیفی مربوط به میانگین متغیرها در نمونه استان تهران را نشان می‌دهد.

جدول (۲): آزمون T تک نمونه‌ای مربوط به متغیرهای استان تهران

فاصله اطمینان در سطح ۵٪		اختلاف میانگین		درجه سطح معنی داری		آماره آزمون t	آزادی
حد بالا	حد پایین	دو طرفه	میانگین	عدد ثابت = ۳			
3704	2754	.32288	.000	445	13.364	گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیسم - هویت مدرن	
.6697	.5735	.62158	.000	445	25.390	جهانی شدن یا جهان گرایی - هویت مدرن	
.1991	.0574	.12825	.000	445	3.560	گرایش به مدرنیسم - هویت مدرن	
1.1249	1.0379	1.08139	.000	445	48.900	بعد فرهنگی - هویت ملی	
-.0103	-.1429	-.07661	.024	445	-2.271	بعد اجتماعی - هویت ملی	
.8761	.7908	.83345	.000	444	38.382	بعد سیاسی - هویت ملی	
-.0872	-.1575	-.12232	.000	445	-6.841	بعد هویت مدنی - هویت ملی	
.7099	.6203	.66510	.000	443	29.175	بعد فرهنگی و اجتماعی - هویت قومی	
.1308	-.0034	.06373	.063	441	1.867	هویت قومی - بعد سیاسی قومیت	
-.0040	-.1232	-.06363	.036	443	-2.099	بعد قوم مداری - هویت قومی	
.6845	.5486	.61658	.000	444	17.832	بعد فرهنگ مذهبی - هویت مذهبی	
.4352	.2874	.36127	.000	444	9.606	بعد رفتار مذهبی - هویت مذهبی	
.7796	.6368	.70824	.000	444	19.496	بعد هویت مذهبی - هویت مذهبی	

جدول (۴): طبقه‌بندی مربوط به هویت‌های چهارگانه

۸۵۲	۱	بعد فرهنگی - هویت ملی
۷۰۳۱	۲	بعد سیاسی - هویت ملی
۷۰۰۶	۳	بعد فرهنگی و اجتماعی - هویت قومی
۷۰۰۳	۴	جهانی شدن یا جهان گرایی
۶۸۰	۵	بعد هویت مذهبی - هویت مذهبی
۵۰۷۲	۶	بعد فرهنگ مذهبی - هویت مذهبی
۴۰۵۲	۷	بعد رفتار مذهبی - هویت مذهبی
۴۰۱۳	۸	گرایش به مدرنیسم - هویت مدرن
۴۰۰	۹	بعد قوم مداری - هویت قومی
۳۸۷	۱۰	بعد اجتماعی - هویت ملی
۳۰۴۸	۱۱	بعد هویت مدنی - هویت ملی
۱۷۸۹	تعداد	
۴۰۳۵۸	Chi-Square	
۱۰	D.F.	
۰/۰۰۰	Asymp.sig	

جدول (۳): اولویت ابعاد هویت‌های چهارگانه

48.900	۱	بعد فرهنگی - هویت ملی
38.382	۲	بعد سیاسی - هویت ملی
29.175	۳	بعد فرهنگی و اجتماعی - هویت قومی
25.390	۴	جهانی شدن یا جهان گرایی - هویت مدرن
19.496	۵	بعد هویت مذهبی - هویت مذهبی
17.832	۶	بعد فرهنگ مذهبی - هویت مذهبی
13.364	۷	گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیسم - هویت مدرن
9.606	۸	بعد رفتار مذهبی - هویت مذهبی
3.560	۹	گرایش به مدرنیسم - هویت مدرن
1.867	۱۰	هویت قومی - بعد سیاسی قومیت
-2.099	۱۱	بعد قوم مداری - هویت قومی
-2.271	۱۲	بعد اجتماعی - هویت ملی
-6.841	۱۳	بعد هویت مدنی - هویت ملی

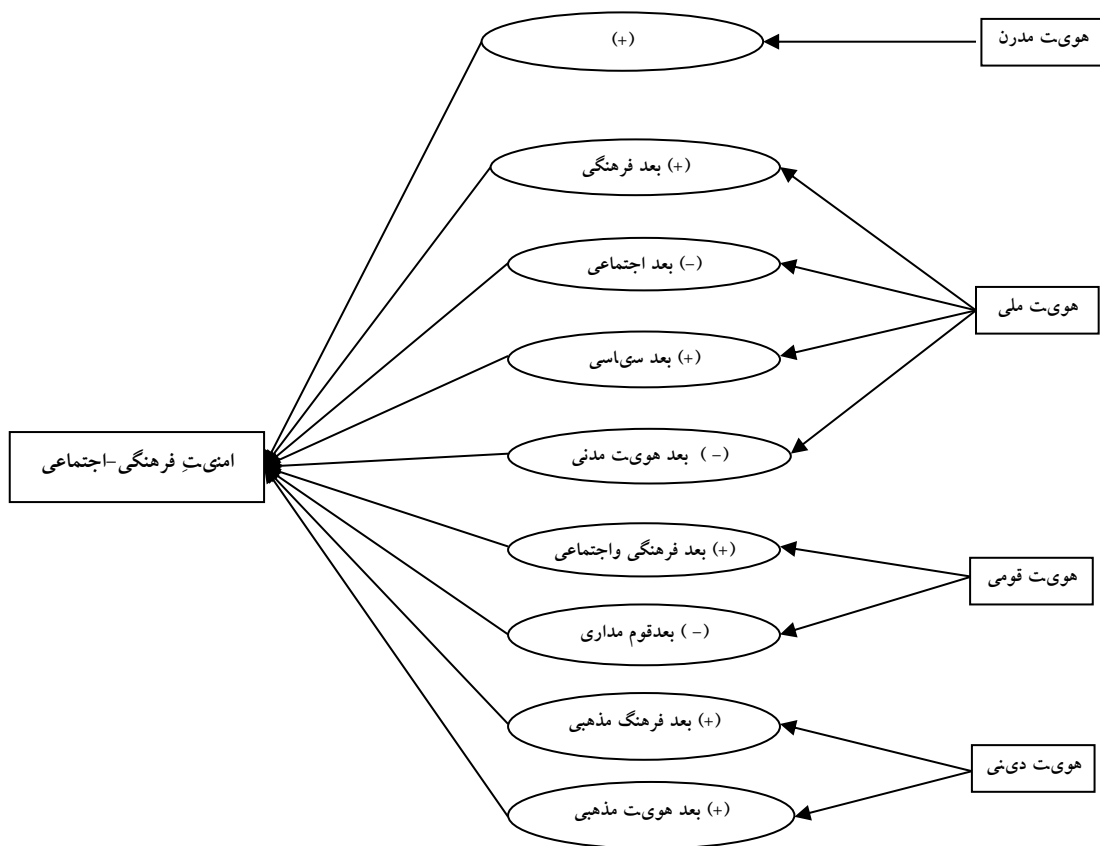
با انجام آزمون فریدمن<sup>۱۱</sup> برای ابعاد مختلف از متغیرهای هویت چهارگانه نتایج زیر حاصل شده است. همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهند، نتایج رتبه‌بندی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در بحث از امنیت فرهنگی-اجتماعی هویت‌ها اصلی‌ترین نقش را بر عهده دارند؛ در مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، توجه به حضور سازگار هویت‌ها منجر به احساس امنیت فرهنگی-اجتماعی بوده و هرگونه خروج از تعادل طبیعی میان این هویت‌ها جامعه را با مسئله احساس ناامنی فرهنگی-اجتماعی مواجه خواهد کرد. در اینجا متغیرهای استراتژیک برای مدیریت امنیت فرهنگی-اجتماعی در مجموع شامل آن دسته از متغیرهای هویت در ابعاد چهارگانه خواهند بود که به قضاوت جامعه که هدف و مخاطب اعمال مدیریت‌ها و نیز دارای حق مرجعیت در حوزه امنیت‌اند، دارای کمترین میزان فراوانی است.

این متغیرها عنصر اساسی در تبیین مسائل استراتژیک حوزه فرهنگ هستند.

در رویکرد مدیریت مسائل استراتژیک که با نام انسف همراه بوده و در بخش دولتی به ایدی (۱۹۸۶) نسبت داده می‌شود، تأکید اصلی متوجه تشخیص و حل مسائل استراتژیک است (برایسون ۱۳۷۲، ۳۵)؛ مسائل استراتژیک از سه ویژگی بلندمدت بودن، رقابتی بودن و دارای نقش حیاتی داشتن برخوردارند (احمدی ۱۳۷۴، ۱۵). برخورد آگاهانه، محققانه و هوشیارانه با این مسائل با توجه به چالش‌های بسیار موجود پیرامون فعالیت‌های فرهنگی نیازمند رصد مستمر این عناصر مربوط به امنیت فرهنگی - اجتماعی است.



نمودار مفهومی شماره (۲): مؤلفه‌های استراتژیک در مدیریت بر امنیت اجتماعی - فرهنگی در کشور

سنجش همگنی میانگین‌ها در مجموع استان‌ها نشان داده که بین نظرات گروه‌های نمونه‌ای در استان‌های مختلف (سیزده استان) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. این به آن معنی است که سیاست تمرکز برای الگوی مدیریت امنیت فرهنگی - اجتماعی کارآمد نخواهد بود. همان‌گونه که در جدول شماره (۵) نشان داده شده است، متغیرهای استراتژیک همسان در مدیریت «امنیت فرهنگی - اجتماعی» به تفکیک در سه قطب جای گرفته‌اند. اگرچه استان‌های سیستان و بلوچستان، تهران و کردستان در هر سه قطب می‌توانند قرار گیرند، اما استان‌های یزد، آذربایجان شرقی و غربی، مرکزی و گیلان تنها در یک قطب قرار دارند.

#### بنابراین:

امنیت جدا از معنای طبیعی و به‌عنوان یک پدیده، با همه مؤلفه‌ها، عناصر، اقسام و سطوح تحلیلی متعددی که دارد، در حقیقت اصطلاحی پنهان، با ویژگی‌های انسان‌شناختی و معرفتی است، به همین ترتیب مفهوم امنیت فرهنگی که در اینجا با توجه به دو ویژگی ذاتی انسجام و بقا در دل مفهوم امنیت به‌عنوان امنیت فرهنگی - اجتماعی نام برده شده، در جغرافیای فرهنگی جوامع معنا می‌یابد.

در مدیریت امنیت فرهنگی - اجتماعی، فهم امنیت در یک افق معناگرایانه و تفهیمی که عمده‌ترین ویژگی آن بسنده نکردن به ظواهر امور است، امکان مدیریتی کارآمد و مؤثر را فراهم می‌آورد. بنابراین از آنجا که

در رصد انجام گرفته در این تحقیق، ابعاد هویتی که دارای بالاترین میزان فراوانی هستند به‌عنوان توانمندی‌ها یا نقاط قوت در کلیت امنیت فرهنگی - اجتماعی جامعه می‌توانند ایفای نقش کنند، بنابراین متغیرهایی هستند که باید مورد توجه مدیریت و هدف سیاست‌ها قرار گیرند. مجموعه‌ی این متغیرها در نمودار مفهومی شماره (۲) تحت عنوان «عناصر استراتژیک در مدیریت بر امنیت اجتماعی - فرهنگی در کشور» با توجه به وجه قوت که با علامت (+) و یا وجه ضعف که با علامت (-) نشان داده شده است.

تفکر استراتژیک درباره تحولات پیش روی در آینده چه در وجه درونی و چه در وجه بیرونی تأثیری مهم بر توانایی مجموعه برای نیل به اهداف خود را دارد؛ بنا به نتایج این تحقیق، در مدیریت امنیت فرهنگی - اجتماعی هر یک از عناصر مربوط به الگوی پیشنهادی در زمان اجرا، عنصری کلیدی در تدوین استراتژی است. همان‌گونه که هافر<sup>۱۲</sup> و شندل<sup>۱۳</sup> نیز اذعان دارند، استراتژی‌ها فعالیت‌هایی تعیین‌کننده و پراهمیت برای هماهنگی بین منابع درونی و قابلیت‌ها با فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی بوده (ناظمی ۱۳۸۷، ۲۰) و نقشی حیاتی در مدیریت موفق فرهنگی دارند.

هم‌چنین بازنگری تطبیقی متغیرهای استراتژیک به دست آمده از نمونه استان تهران با استفاده از روش تحلیل واریانس در سیزده استان نمونه، تبیین دقیق‌تری از متغیرهای استراتژیک در کشور به دست داده است.

جدول (۵): متغیرهای استراتژیک همسان در مدیریت امنیت فرهنگی - اجتماعی به تفکیک استان‌ها

بعد قوم مداری - هویت قومی	بعد اجتماعی - هویت ملی	بعد هویت مدنی - هویت ملی سیستان
سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	و بلوچستان
تهران	تهران	تهران کردستان لرستان
کردستان	کردستان	آذربایجان غربی
لرستان	یزد	مرکزی
	آذربایجان شرقی	هرمزگان خراسان جنوبی
	خراسان جنوبی	
	هرمزگان	
	گیلان	

۱- تفاوت و تمایز جزء جدایی‌ناپذیر حیات فردی و اجتماعی نوع انسان و بنابراین، سطوح فردی (خرد) و اجتماعی - ملی (کلان) آن است. تفاوت‌ها و تمایزات حذف‌شدنی نیستند.

۲- وحدت در سطح اجتماعی آن همواره امری نسبی است و میان همگونی در خصال فردی تا همگونی در سطوح فرهنگی، زیستی، اعتقادی، آرمانی و ساختاری سیاسی نوسان دارد.

۳- تعارضات درون و میان اجتماعات ضرورتاً ناشی از تفاوت‌های درون و میان آن‌ها نیست که تصور شود با حذف و یا تقلیل تفاوت‌ها تعارضات کاهش می‌یابد.

۴- به‌رغم وجود تفاوت‌های بسیار ساختار و جهت کلی اجتماعات انسانی به‌سوی وحدت است.

۵- سیاست‌های انسجام و وحدت اجتماعی و ملی به جای توجه به یکسان‌سازی صفات و خصال ذاتی و اکتسابی افراد، گروه‌ها و اجتماعات انسانی باید به وحدت به معنای انسجام در کلیت و همسویی در جهت‌گیری آن معطوف گردد.

۶- تنوع ویژگی ذاتی هستی یا جهان به‌طور عام و موجود انسانی به‌طور خاص است. در پس و ظاهر تنوع نوعی پیوستگی و همبستگی میان اجزای عالم مشاهده می‌شود که این پیوستگی نشانگر نظم عام منتشر در اجزای هستی است (صالحی امیری ۱۳۸۵، ۷۲-۷۱).

وجود عینی اجتماع یا ملتی خالص امکان‌ناپذیر است. در جمع دشوار میان خرده فرهنگ‌ها، همواره عناصر هویتی قدرتمندی وجود دارند که کار انسجام را تسهیل می‌کنند، مانند نقشی که دین و مذهب در ایران انجام می‌دهد. با این پیش فرض که مدیریت فرهنگی رسالتی چون صیانت از فرهنگ را بر عهده دارد، به‌عنوان رویکرد کلی، نتایج حاصل از پایش امنیت فرهنگی-اجتماعی با توجه به رکن امنیت که همان

نوع دست‌یابی به الگوی شناختی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است، الگوی مدیریت امنیت فرهنگی-اجتماعی نیز نمی‌تواند از الگوی واحد و غیر بومی تبعیت کند. به‌عنوان نمونه سهم و وزن هویت دینی و هویت مدرن و هویت قومی ... نزد جوامع یکسان نیست، حتی ممکن است معادله امنیتی آن‌ها از ترکیب متفاوتی برخوردار باشد.

در ایران و در زمان انجام تحقیق هردو متغیر هویت قومی و هویت ملی، به‌عنوان عناصری پر قدرت در برقراری امنیت فرهنگی-اجتماعی محسوب شده و می‌توانند به‌عنوان متغیر استراتژیک و تأثیرگذار در الگوی کارآمد و اثربخش مربوط به مدیریت «امنیت فرهنگی-اجتماعی» ایفای نقش نمایند. متغیرهای استراتژیک در مدیریت امنیت فرهنگی-اجتماعی در استان تهران به ترتیب عبارت خواهد بود از:

۱- بعد هویت مدنی- هویت ملی

۲- بعد اجتماعی- هویت ملی

۳- بعد قوم‌مداری- هویت قومی

در جدول شماره (۵) به امکان تناظر در اعمال مدیریت بر اساس استراتژی‌های همسان میان استان‌ها اشاره شده است؛ این جدول مؤید ضرورت عدم تمرکز در مدیریت فرهنگی در ایران است. مدیریت فرهنگی-اجتماعی در ایران که بنا به نتایج تحقیق از عدم تمرکز پیروی می‌کند، بر اساس نتایج این بررسی در سه قطب قابل دسته‌بندی است.

اگر نظریات موجود در زمینه مدیریت فرهنگ که مصداقی از مدیریت خرده فرهنگ‌هاست را در دو دسته کلی تکثرگرایی فرهنگی و جذب و همانندسازی بدانیم، به نظر می‌رسد الگوی پیشنهادی ترکیبی از این دو خواهد بود. این یافته تأییدی است بر الگوی وحدت در کثرت صالحی امیری که در موضوع منازعات قومی به کار برده شده است، در این باره موارد زیر قابل بیان است:



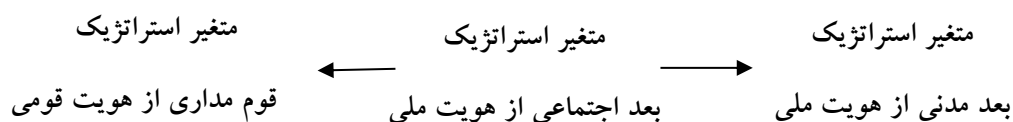
هویت است، می‌تواند الگویی کارآمد از سیاست‌ها و استراتژی‌های فرهنگی را عرضه کند. این فرایند به لحاظ روش‌شناسی از توالی زیر پیروی می‌کند:

- ۱- مسئله‌یابی، مسئله‌شناسی در حوزه عمومی با مطالعات تکمیلی کمی و کیفی، فرا تحلیل یا تحلیل ثانویه و دیدگاه‌های تخصصی خبرگان
- ۲- تعریف مسئله
- ۳- تعریف شاخص‌های تعیین مسئله
- ۴- معیارهای اولویت‌بندی در مسائل.

این پایش در مقاطع مختلف زمانی، با ارزیابی عملکرد گذشته در حوزه‌های مختلف به منظور شناخت نقاط قوت و ضعف، ارزیابی وضعیت کنونی از دیدگاه عاملان و گروه‌های مخاطب و شکاف میان آن‌ها و

حتی فراتر از آن همراه با آینده‌پژوهی به منظور شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو قابل انجام است.

هویت ایرانی در اصل جوهره فرهنگی داشته، همزیستی و تعامل عناصر هویت جمعی در ایران با عامل فرهنگ است. از این رو در متغیرهای چهارگانه هویت، ابعادی که ماهیت فرهنگی دارند از نقاط قوت بوده و می‌توانند به‌عنوان متغیری تأثیرگذار در کارآمدی و اثربخشی مدیریت «امنیت فرهنگی - اجتماعی» ایفای نقش نمایند. همان‌گونه که در نتایج نشان داده شده، هویت مدنی (یا شهروندی) و هویت قوم مدارانه دو کرانه از وجه اجتماعی از هویت ملی هستند:



نمودار مفهومی (۳): عناصر استراتژیک در امنیت فرهنگی - اجتماعی

ملت‌سازی پیامد دولت‌سازی و پدیده‌ای متأخر محسوب می‌شود، مفهوم هویت شهروندی یا مدنی یکی از ابعاد هویت ملی است. در هویت شهروندی یا مدنی مردم به‌عنوان شهروندان برابر در جامعه و مستلزم احترام‌اند. پروژه‌های همگون‌سازی در تلاش برای ملت‌سازی «چالش هویت قومی و فرهنگی» را پدید آورده و منجر به عدم احساس امنیت فرهنگی - اجتماعی است (تقی لو ۱۳۸۶، ۳۱-۹).

منظور از هویت قومی (یا هویت محلی) تعریف خود به‌عنوان عضو گروه قومی و احساس تعلق، دل‌بستگی و وابستگی و تعهد به اجتماع و خرده فرهنگ قومی است. گروه قومی جمعی است که در درون یک جامعه بزرگ‌تر قرار دارد و دارای خاطرات مشترک و عناصر نمادین ... از گذشته‌ای مشترک است.

این گروه، به‌عنوان اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر به صورت «حقیقی» یا «ادراکی» جای می‌گیرد. در هر دو حالت اعضاء قوم به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند. لازم به توضیح است که مبنای تعریف گروه قومی نژادی، بیولوژیکی و یا تمایزات فرهنگی است؛ اما در دوره معاصر پایه فرهنگی واقعیت قومی دارای اهمیت زیادی شده است. قومیت منبع قدرتمندی برای تعریف و معنایابی محسوب می‌شود. در ایران یافته‌های تحقیقات که در قالب پژوهش‌های فردی، یا پایان‌نامه‌های دانشجویی در بین اقوام مختلف انجام شده همگی مؤید اهمیت و قوت هویت قومی است (عالمی ۱۳۸۳؛ پور صمد ۱۳۸۶؛ فکوهی ۱۳۸۱؛ امان‌اللهی ۱۳۸۰؛ تقی‌لو ۱۳۸۶؛

تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۶). تنوع قومی، سیاست حساسیت چندفرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران معاصر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، بهار شماره مسلسل ۳۵.

حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

عالمی، مسعود (۱۳۸۳). مطالعه برجستگی‌های هویتی در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

عبداللهی، محمد و حسین‌بر، محمد عثمان (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویت و الگوهای محلی، ملی و جهانی، (مطالعات موردی لرستان)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.

قیصری، نوراله (۱۳۸۳). قومیت عرب و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول.

ناظمی، مهدی (۱۳۸۷). مفهوم شناسی مؤلفه‌های مدیریت راهبردی فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

#### یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Identity Security
- <sup>2</sup> Cultural management
- <sup>3</sup> Adaptation
- <sup>4</sup> Goal Attainment
- <sup>5</sup> Integration
- <sup>6</sup> Legitimacy
- <sup>7</sup> Symbolic Interaction theory
- <sup>8</sup> Component.
- <sup>9</sup> Self
- <sup>10</sup> T-Test
- <sup>11</sup> Friedman Test
- <sup>12</sup> hofer
- <sup>13</sup> schendel
- <sup>14</sup> Ethnocentrism

حاجیان ۱۳۸۷؛ صالحی امیری ۱۳۸۵؛ عبداللهی ۱۳۸۱؛ فکوهی ۱۳۸۱؛ قیصری ۱۳۸۳).

اما در هویت قومی، بُعد قوم مداری عقیده‌ای است مبنی بر اینکه هنجارها، ارزش‌ها، ایدئولوژی، رسوم، سنت‌های فرهنگ خودی یا خرده فرهنگ خودی عالی‌ترین موقعیت را داراست. بنابراین مفهوم قوم مداری<sup>۱۴</sup> به‌عنوان وجه افراطی هویت قومی، عاملی آسیب‌زا برای انسجام و در نهایت بقاست؛ هم چنان که به‌طور مشابه افراط در اصول مدرن اداره جامعه می‌تواند زمینه‌ساز تهدید در احساس امنیت فرهنگی - اجتماعی باشد، این همان آسیبی است که در دل هویت مدنی به‌واسطه افراط در معنای منفی فردیت به اذهان ایرانی خطور می‌کند. بنابراین خروج از اعتدال در بعد اجتماعی هویت ملی به‌سوی قوم مداری یا فردیت یافتگی افراطی، مسائلی پراهمیت در مدیریت فرهنگی کشور است؛ هم چنان که در زمان انجام تحقیق و در بعد اجتماعی از هویت ملی، سازوکارهای دولت مدرن نظیر دموکراسی، قانون مداری ... همواره دارای انرژی خاموش تهدید برای امنیت فرهنگی - اجتماعی است.

#### منابع و مأخذ

احمدی، حسین (۱۳۷۴). برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن، تهران، کانون فرهنگی انتشاراتی سایه‌نما.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۰). پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران، تهران، نشر آگاه.

برایسون، جان. ام. (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیردولتی (۱۹۸۸)، ترجمه عباس منوریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.